

روان شناسی از نگاه علم

«مصطفی علی زاده»

آیا روان شناسی علم است؟

پرسش منطقی به نظر نمی رسد. کلمه ی شناسی = logy یونانی خبر از علم بودن این رشته می دهد صاحب نظری می گفت روان شناسی علم نیست و تنها یک سری نظرات کلی و گوناگون است. آیا به راستی چنین است؟ پیش از هر پاسخی به تصویر زیر توجه کنیم: دستگاه یا نظام روانی انسان از سه نظام به هم پیوسته و تداخل کننده تشکیل شده است.

عصبی و غده هورمون ساز، تشکیل شده است.

بخش اول - مغز و سلسله اعصاب

عظیم ترین، شگفت انگیزترین اندام بدن، مغز و نخاع شوکی و سلسله ی اعصاب است. نظام عصبی ما به دو دستگاه عصبی مرکزی (مغز و نخاع شوکی) و دستگاه عصبی پیرامونی (عصب هایی که مغز و نخاع شوکی را به سایر نقاط بدن پیوند می دهند)، تقسیم می شود.

از برجسته ترین متخصصان مغز و سلسله ی اعصاب بود و پس از آن دست به ابداع به نظریه های روان شناسی زد و صاحب مکتبی شد

بخش دوم - مواد شیمیایی سلول های

عصبی پیام بر سلول های عصبی یا یاخته ها (نورون) تر سراسر بدن پراکنده اند و تعداد آن ها را تا ده میلیارد در خود مغز و تعداد یاخته های عصبی سراسر بدن را تا نه برابر آن برآورد کرده اند. این یاخته ها با ترشح مواد شیمیایی (بیک های عصبی) ویژه ای کل پیام ها را به مغز می رسانند و پیام های دریافتی را بر می گردانند هر ماده شیمیایی دست کم دو نوع اخلاص روانی ایجاد می کند. کم بود آن موجب اخلاصی و زیاد بود آن موجب اخلاصی دیگر می گردد.

"بیش از هفتاد نوع بیک عصبی شناسایی شده و در آینده نیز انواع دیگری کشف خواهد شد."

بخش سوم - غدد و هورمون ها

غده های درون ریز مانند غده ی هیپوفیز در مغز، غده ی تیروئید، غده های جنسی و غده ی فوق کلیوی و... مواد شیمیایی به نام هورمون می سازند که بر کلیه ی فعالیت های اندام های بدن، اثر مهمی دارند. هورمون ها از طریق گردش خون به سراسر بدن می روند و به شیوه های گوناگون بر انواع یاخته ها اثر می گذارند بد نیست بدانیم کمبود نوعی هورمون که غده هیپوفیز می سازد، موجب کوتوله گی و ترشح زیاد آن موجب

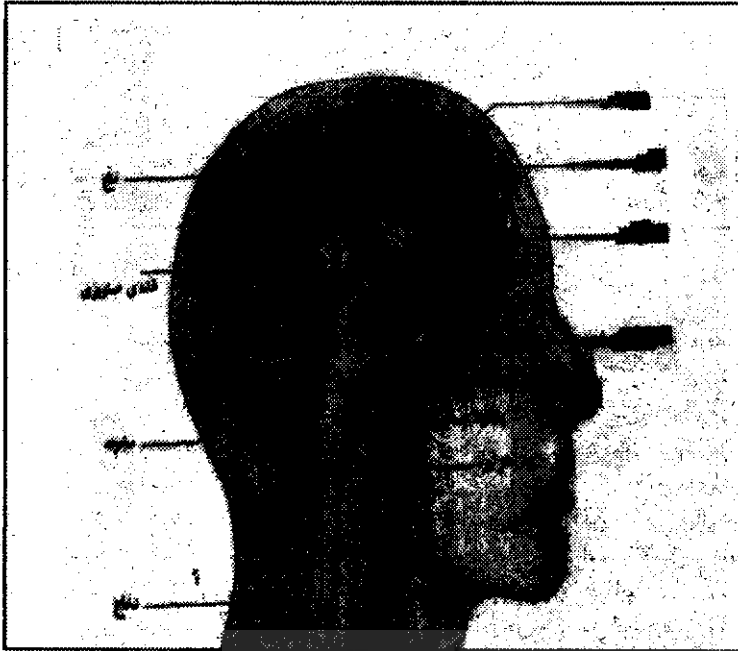
هیچ فردی بدون شناخت مغز و سلسله ی اعصاب نمی تواند فهم درست و کاملی از روان به دست آورد. فریود در درجه اول یکی

نظام اول

نظام اول یا اصلی، خود سه بخش مهم مغز و اعصاب، مواد شیمیایی میان یاخته های



غول پیکری می شود ترشح لازم و به اندازه هورمون ها آن قدر در تعادل و رشد بدن و روان مهم است که دکترمان روان شناس نامی جهان، غدد درون ریز را سلطان بدن نام می دهد.



نظام دوم - دستگاه های حسی

بخش های نظام اول در پیوند ناکستنی با هم قرار دارند و با دستگاه های بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و پساوایی در پیوند و رابطه هستند. بررسی این پیوندها و تاثیر متقابل آن ها، قوانین حاکم بر آن ها، موضوع پژوهش ها و تحقیقات دقیق دانش مندان فیزیولوژی، زیست شناسی، پزشکی به ویژه روان شناسان برجسته و نام آور است. تاکنون رمز و رازهای زیادی در کارکرد و تداخل این دو نظام کشف شده و قوانین آن تدوین گردیده است و امید می رود به زودی رمز و رازها و قوانین دیگر نیز شناخته و کشف گردد.

نظام شگفت انگیز مغز و اعصابه مواد شیمیایی بین غدد و هورمون ها، در پیوند با دستگاه های حسی بدن و در ارتباط داریم با محیط جغرافیایی و اجتماعی و توانایی هایی را به وجود می آورد که مجموعه ی آن را توانایی های ذهن یا روان می نامند و می دهند و قوانین، روابط و پیوندهای آن را کشف و کرده و شناسایی می کنند. بنابراین روان شناسی شاخه ای از علوم عقلی است که توانایی ها و فرایندهای ذهن را بررسی می کند و روان شناس کسی است که در این عرصه مشغول به کار است. روان شناسی در

نظام سوم - محیط جغرافیایی، اجتماعی و ...

دو نظام اول در پیوند همکاری و تاثیر متقابل با محیط جغرافیایی (هوا، آب، مواد غذایی و درجه ی حرارت)، محیط اجتماعی (خانواده، قاعیل، همسالان، شهر و روستا، فرهنگ ها) و روی دلهای غیرمنتظره طبیعی و اجتماعی مانند زلزله، سیل و جنگ و ... قرار دارند. همه و همه در کارنده همه و همه در حال بده بستان هستند تا سلامت بدن و روان انسان فراهم شود. مجموعه ی این سه نظام دستگاه به هم پیوسته ی، روان انسان را می سازند. کوچک ترین نقصی در یکی از اجزای این نظام ها، روان را زنجور و بدن را بیمار می سازد.



داریم به شناخت روان شناسی نزدیک می شویم. پیش از آن بد نیست درباره یک نظام مکانیکی دیگر حرفی بزنیم. هر نوع ساعت که وقت را نشان می دهد یک نظام است. اجزای آن به گونه ای با هم ارتباط داده شده اند که توان انجام عملی را داشته باشد. توان ساعته نشان دادن وقت شبانه روز - + ثانیه دقیقه و + - ساعت است. می توان نظام ساعت را به گونه ای شکل داد که تون دیگری هم داشته باشد یعنی تاریخ روز، ماه و سال را هم نشان بدهد.

مجموعه ی این توانایی ها مانند اندیشه، تخیل و هیجان های شناسایی شده (توس، خشم، شادی، اندوه، از جا زدن، شگفتی، انتظار، اعتماد، حسادت، غبطه، عشق، فشار روانی و ...). دانش مندان مورد تحقیق و پژوهش قرار داده دو بیست سال اخیر پیش رقت های چشمگیری داشته است و امروز کم تر کسی را می توان سراغ داشت که از دانش روان شناسی بی نیاز باشد. این علم یا همه ی جوانب زندگی ما در ارتباط است." پایان